

ان کتاب را با ايمان و اخلاص فاري انسان بخواند چون با خبر  
 آن رسيد در غضب شد و از ابرو زمين زد و گفت من در غضب شد  
 و کتاب را بر گرفت و گفت اين کتاب است قديم و کهنه است  
 شمار اينکند از ما احسن از اين است چون خواند اين کلام بود که  
 و من پيغمبري غير للاسلام و يافان يقين است و هو اني للاخرة اظلم  
 ان روز جل و دو خبر از اخبار مسلمان شد و معاويه رضي الله عنه التا  
 کما جنت و عطا داد **اداره الجمله الت** که اين عمر رضي الله عنهما  
 گفته است که عمر بن الخطاب رضي الله عنه لسعد بن ابی وقاص  
 نوشت روی در قاصد بود که فضله بن معاويه انصارى بخوان  
 عواقب است سعد و را فرستاد چون فضله بواجب حلوا از اعراب  
 کرد اسير عمر بن الخطاب گرفت وقت نماز و نکر در مای کوفى فرود  
 و آغاز نماز نماز کرد چون گفت **الله اکبر** آن کوه آواز از  
 که کبريت کبر با فضله چون گفت **استمدان** لاله لاله لاله او آواز  
 که کلمه للاخلاص بالصلوة چون گفت **استمدان** محمد رسول الله او آواز  
 که مولدای و حقو الذي نشرفى عيسى بن مريم على راس الحمد يوم

القيمين گفت جى على الصلوة او آواز که طوبى لمن شى السماء و اطلب  
 عليهما چون گفت جى على الفلاح او آواز آمد که افلا من اجاب عن  
 گفت الله اکبر الله اکبر او آواز آمد که احصيت للاخلاص همه انضاج  
 از مانگ نماز فارغ شد گفت کسى تو بر حکم الله بخوان که آواز  
 خود ما را شنوا سدى صورت خود ما را بنماي زير که نماز کان  
 خدايم عزوجل و امت رسول اعلم و جماعت عمر بن الخطاب  
 تاگاه کوه بشکافت از اجاسه ي بسیار زر زک بر و از ابراهوي  
 و فاسن سيفيد و جامه شبيته گفته در گرفت السلام عليك و حمد الله  
 و عليك السلام و حمد الله نو کسى گفت من زير بن برکى و وضو  
 صلوات على سبن مريم صلوات الله عليه مراد بن کوه نشانه است دعا  
 کرده است که مرا ايند ان زندگانی باشد که دى از آسمان فرود  
 و خبر بر اقبل کند و صلب را بشکند و از افتد نای نصارى است  
 بعد از ان گفت **تلاقات** محمد را در سياتم سلام من بعد رسانيد  
 و بگو سید اعلم سدر و قارب فقد ونا الامر و سخنان فکرت  
 پس غايب شد فضله ان قصه را لسعد نوشت که ما ان جماعت

و کسى بخواند حقى الله تعالى هم کسى است  
 الله است

الفهون